

Dissenting Opinion

Case No. A-17

Full Tribunal

پرونده شماره الف / ۱۷

دیوان عمومی

رای شماره دی. ای. سی. ۳۷ الف - ۱۷

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دانگاه داوری دعوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	18 JUN 1985
۱۳۶۴ / ۳ / ۲۸	
No.	شماره

ایالات متحده آمریکا

- و -

جمهوری اسلامی ایران

نظر موافق و مخالف

کارل - هاینس بوکشتیگل (رئیس دیوان) ،
محسن مصطفوی ، حمیدبهرامی و پرویز انصاری

در پرونده حاضر هر دو طرف استدلالاتی را ارائه کرده‌اند، لکن هیچیک از تفسیرهای بددست داده شده را واقعاً نمی‌توان با کلیه جنبه‌های بند ۲ (ب) تعهدات دولت ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران درباره بیان نیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزیره ("سند تعهدات")، کاملاً سازگار دانست. این بند شاید به مراتب بیش از شرط دیگر بیان نیه‌های الجزیره از پیغام وقت تنظیم کنندگان آن و نیز از شرایط فوق العاده دشواری که در آن از روش مذاکره غیر مستقیم استفاده شده، لطمہ دیده است. در چنین حالتی نتیجه‌گیری‌های شخصی، بیش از حالات معمول، به وزن و اعتباری بستگی دارد که شخص به تناسب برای استدلال‌های مختلف قابل است. ما به نتایجی متفاوت با نتیجه‌گیری‌های اکثریت رسیده‌ایم، و گرچه وارد کلیه جزئیات نمی‌شویم، ولی لازم می‌دانیم به اختصار بدان اشاره کنیم.

۱ - بنظر ما عبارت قسمت اخیر رای () اکثریت ، راجع به خواسته موردنظر در این پرونده آنچنانکه باید حق مطلب را داشتمی کند . رأی صادره میباشد طبق درخواست تسلیمی مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۸۲ (۸ دیماه ۱۳۶۱) ایالات متحده ، سند تعهدات را ، بموجب بند ۳ ماده دو و بند ۴ ماده چهارمیانه حل و فصل دعاوی و بند ۱۷ بیانیه عمومی تفسیر نماید . خواسته موردنظر در این درخواست به صراحت ووضوح ، در اولین پاراگراف قسمت "نتیجه‌گیری" در صفحات ۲۸/۲۹ متن انگلیسی و ۲۸/۲۷ متن فارسی آخرین لایحه ایالات متحده آمریکا که در پنجم مارس ۱۹۸۴ (۱۵ اسفندماه ۱۳۶۴) به ثبت رسید ، درج شده است (درخواست مندرج در پاراگراف دوم ، در جلسه استماع پس‌گرفته شد) . بند مزبور به شرح زیر است :

دادگاه طبق تصمیمی که خود در پرونده الف ۱۶ اتخاذ ذکرده باید براین عقیده باشد که بموجب بند ۲(ب) بیانیه تعهدات صلاحیت ندارد به دعاوی با نکهای ایران علیه موسسات با نکی آمریکا که سعی دارد بدھی ادعائی آن موسسات با نکی را که ایران بدست آورد - شامل بدھی مربوط به مبالغ موردا خلاف اصل و بهره‌سپرده‌های ایران در دفاتر و شب داخلى با نکهای آمریکا - رسیدگی نماید . دادگاه همچنین باید براین عقیده باشد که بر دعاوی که بموجب ماده ۲ (۱) بیانیه حل و فصل دعاوی در صورتی که دعاوی متقابل شایسته و مناسب در مقابل با نکهای با تابعیت آمریکائی باشد صلاحیت رسیدگی دارد . (عیناً "از لایحه نقل شده است)

نتیجه‌گیری حاصله در قسمت اخیر رای میباشد باین درخواست نه بیشتر و نه کمتر پاسخ می‌داد ، زیرا که دیوان در این قبیل اختلافات تفسیری نیز ، منحصر "ما خود به رسیدگی به اختلافاتی که طرفین نزد آن مطرح می‌سازند ، می‌باشد . نظر ائمه شده تحت شماره ۱ ، رهنمود تفسیری مورد درخواست برای اولین جمله پاراگراف اشاره شده در فوق را ، نه به طرفین و نه به شب ، ارائه نمی‌کند .

بعلاوه ، به نظر ما دادن پاسخ منفی به سئوال مطروح در اولین جمله درخواست

قیسر می‌بود، بدین معنی که دیوان واقعاً "نسبت به ادعاهای مذکور در آن جمله صلاحیت دارد.

۲- در قسمت ماهیت رای، قبل از هرچیز با این نتیجه‌گیری که صلاحیت دیوان محدود به مبالغ قابل پرداخت از حساب دلاری شماره ۲ است، مخالفیم. البته ما ارتباط استدلالات مطروح در آن نتیجه‌گیری را درک می‌کنیم، لکن به نظر ما استدلالات مخالف آن نتیجه‌گیری نهایتاً "براستدلالات موافق ترجیح دارد:

همانطورکه اکثریت به درستی متذکرشده، با توجه به غیرمستقیم بودن مذاکرات، با یددرتجزیه و تحلیل متن سندبرای کلمات و اصطلاحات اهمیت اساسی قائل شد. دو مورد "ابها می" را که اکثریت در این اصطلاحات تشخیص داده، به نظر ما بیان روشنی داردکه فقط یک تفسیر را اجازه می‌دهد. صلاحیت اعطائی، صراحتاً "مبالغ موردا خلاف سپرده‌ها، دارائیها... در موسسات بانکی ایالات متحده" را شامل می‌شود و ماتفسیری که در واقع کلمات یادشده را علاوه "وازه لحاظ زائد سازد - چنانکه اثر رای اکثریت است - جایز نمی‌دانیم. دومین "ابهام"، یعنی اینکه در بند ۲ (ب) دو بار به مبالغ قابل پرداخت به بانک مرکزی اشاره شده، نیز جای تفسیر ندارد. از آنجاکه پرداخت مانده‌نهایی حساب دلاری شماره ۲ به بانک مرکزی، بطور جداگانه در آخرین جمله بند ۲ (ب) ذکر شده، لذا دو بار اشاره مورد بحث فقط می‌تواند به سایر مبالغ قابل پرداخت به بانک مرکزی مربوط باشد. نه "سپرده‌ها و دارائیها"، و نه پرداختهای موربد بحث به بانک مرکزی، نمی‌تواند منحصراً "به پرداختهای از حساب دلاری شماره ۲ محدود باشد، زیرا همانطورکه در رای به درستی خاطرنشان گردیده، وجود این حساب متعلق به ایران است و مانده آن نهایتاً" و به هر حال به بانک مرکزی منتقل خواهد شد. بعلاوه، رای از این جهت نیز ضعیف است که نمی‌تواند آنطور که باید شاید معلوم سازدکه اگر نهایتاً "حساب دلاری شماره ۲ تمام شود و هنوز مبالغی واجب الادا باقی ماند، به صرف تمام شدن وجوه حساب - که برای

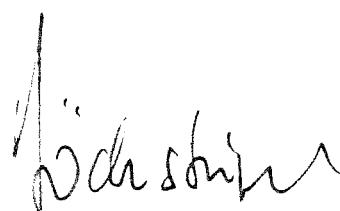
خواهان امری تصادفی است - صلاحیتی باقی خواهد بودیا نه ؟ هردو "ابها م" (ادعائی) واقعا "دارای انشاء روش و صریحی است ، فقط وقتی واجد معنی است که به خودی خود و تو ما " به همان صورت روش و صریح نگریسته شود . اینکه صراحتا " روش پرداختی فقط از حساب دلاری شماره ۲ پیش بینی شده ، وضعیتی است که در بیانیه های الجزیره نا آشنا نیست ، زیرا به موجب بیانیه عمومی نیز بنحو مشابهی حساب تضمینی جهت پرداخت احکام صادره به نفع طرفهای آمریکائی ایجاد شده ، حال آنکه هیچگونه حساب تضمینی برای احکام صادره به نفع طرفهای ایرانی مقرر نشده است .

۳ - در قسمت ماهیت رای ، نسبت به نتیجه گیری راجع به اینکه آیا می توان پرداخته ائی به بانک مرکزی انجام داد یا نه ، صریحا " ابراز عدم تمایل شده است . در اینجا بایز ما مخالفیم . نحوه انشای روش دو جمله مختلف بند ۲ (ب) به نظر ما هیچگونه نتیجه گیری دیگری را جز آنکه این قبیل پرداخته اما مکان پذیراست ، جایز نمی شمرد .

۴ - با لاخره ، اکثریت در قسمت ماهیت رای لازم ندیده است که تعیین کنندآ یا مبالغ مورد اختلاف در "نمايندگی ها و شعب" بانکهای ایالات متحده مشمول صلاحیت دیوان داوری هست یا خیر ؟ گرچه این مطلب احتمالا " صحیح است که منشاء و عامل اصلی گنجانیدن بند مزبور ، ۱۳۵ میلیون دلار بهره مورد اختلاف در شبکه خارجی برخی بانکهای آمریکائی بوده ، لکن از آن جا که در بند ۲ (ب) صراحتا " عبارت "سپرده ها" داراییهای ، و احیانا " بهره متعلقه به سپرده های ایران در موسسات بانکی ایالات متحده " قید شده و به هیچوجه شبکه خارجی را محدود نکرده است ، بنابراین به نظر ما عبارت یا دشده را تنها بدین صورت می توان تفسیر کرد که ، شبکه داخلی و همچنین شبکه خارجی بانکهای آمریکائی را در برگیرد . موید این مطلب ، این واقعیت

است که ، بیانیه عمومی به ترتیب در بیندهای ۵ و ۶ ، صراحتاً "دارائیهای نزد شعب خارجی بانکهای ایالات متحده" و "دارائیهای نزد شعب بانکهای آمریکائی در آمریکا" را از یکدیگر تفکیک کرده ، حال آنکه بند ۲(ب) سند تعهدات چنین تمايزی را قابل نشده است .

لاهه ، به تاریخ ۱۳ مه ۱۹۸۵ برابر با ۳۳ خردادماه ۱۳۶۴



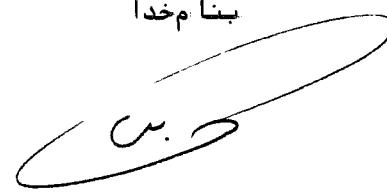
کارل - هاینس بوکشتیگل

بنا مخدا



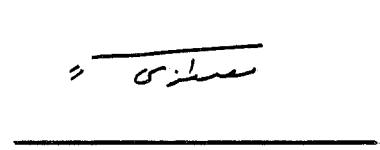
پرویز انصاری

بنا مخدا



Hammond Behrami

بنا مخدا



محسن مصطفوی